

نکته: برای ساختن بن ماضی ن را از مصدر حذف می کنیم پس رفت می شود بن ماضی ؛

برای ساختن بن مضارع ، بن ماضی را به کسی دستور می دهیم و بعد ب را از اول آن حذف می کنیم بن مضارع بدست می آید مثال:

فعل	مصدر	بن ماضی	امر	بن مضارع	صفت منفولی
گرفته است	گرفتن	گرفت	بگیر	گیر	گرفته

۱۰-۲- بن فعل: ریشه مشترک و ثابت فعل را بن فعل می گویند. هر فعل دو بن دارد که با کمک مصدر ساخته می شوند:

الف=بن مضارع: انجام کار را در زمان حال نشان می دهد. رفتن= رفتن

ب= بن ماضی: انجام کار را در زمان گذشته نشان می دهد. رفتن = رفت

۱۰-۳- شخص: از نظر شخص به سه دسته اول شخص و دوم شخص و سوم شخص تقسیم می شود،

۱۰-۴- شمار، از نظر شمار به دو گروه مفرد و جمع تقسیم می شود،

۱۰-۵- شناسه: به آخر فعل اضافه می شود و شخص و شمار فعل را از طریق شناسه آن تشخیص می دهیم

شناسه های زیر با بن ماضی می آیند: م ی — یم ید ندند

شناسه های زیر را با بن مضارع به کار می بریم: م ی د یم ید ند م

هر فعل شش ساخت یا صیغه دارد مثال برای ماضی: گفتم گفتی گفت گفتیم گفتید گفتند

مثال برای مضارع: می گویم می گویی می گوید می گویند می گویند می گویند

نکته مهم در مورد هر فعل اینکه باید این پنج ویژگی را بشناسیم مثلاً ویژگی های فعل می بینیم:

زمان= مضارع / بن = بین / شخص= اول شخص / شمار= جمع / شناسه یم

۱۱- گروه اسمی: یکی از ارکان جمله است و می تواند یک کلمه یا بیشتر باشد. مهم ترین جزء گروه اسمی هسته می باشد. هسته همان اسمی است که کلمه ها یا بخش های دیگر به آن افزوده می شوند. در مثال:

این گل خوشبوی زیبا. هسته کلمه " گل " می باشد و کلمات قبلی (وابسته پیشین) و کلمات بعدی (وابسته پسین) به آن اضافه شده اند.

۱۲- وابسته های اسم: هسته هر گروه اسمی اسم است و ممکن است تنها بیاید یا با یک یا چند وابسته پسین و پیشین همراه شود. وظیفه این وابسته ها، توضیح برخی ویژگی های هسته گروه اسمی است.

۱۲-۱- وابسته های پیشین: قبل از هسته می آیند و شامل: صفت اشاره (آن کتاب)، صفت پرسشی (کدام کتاب)، صفت تعجبی (چه کتابی)، صفت شمارشی (سه کتاب)، صفت مبهم (هر کتاب)، صفت عالی (بهترین کتاب).

۱۲-۲- وابسته پسین: بعد از هسته می آیند و شامل: نشانه نکره (کتابی)، نشانه های جمع (کتاب ها)، صفت شمارشی ترتیبی (کتاب هشتم)، مضاف الیه (کتاب فارسی)، صفت بیانی (کتاب سین)

۱۳- جدول وابسته های پیشین و وابسته های پسین:

ص	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ص	
اشاره	پرسشی	تعجبی	شمارشی	مبهم	عالی	نشانه نکره	نشانه جمع	شمارشی	مضاف الیه	بیانی

۱۴- صفت اشاره: قبل از اسم می آید و درباره دوری و نزدیکی آن اسم توضیح می دهد. (آن، این، همان، همین)

۱۵- صفت پرسشی: درباره نوع، چگونگی یا مقدار اسم پرسش می کند (کدام، چند، چه)

۱۶- صفت تعجبی: احساس و عاطفه گوینده را درباره اسم، بیان می کند (چه، عجب)

۱۷- صفت شمارشی: درباره شمار اسم توضیح می دهد. اعداد اصلی (یک، دو، سه و...) و ترتیبی (اولین، دومین، سومین و...) صفت شمارشی هستند و چون پیش از اسم می آیند وابسته پیشین هستند.

۱۸- صفت مبهم: صفتی که نوع، چگونگی، شمار و مقدار اسم را به طور نامعین نشان می دهند (فلان، چند)

۱۹- صفت بیانی: درباره چگونگی و ویژگی های اسم، توضیحاتی را بیان می کند معمولاً پس از اسم می آید و وابسته پسین اسم به شمار می رود. مثال: دانش آموز کوشا / پسر مهربان / مادر خوب

۱- برای درک بهتر هر اثر باید به "ساختار" و "محتوای" آن توجه کرد. یعنی واژه ها و جمله های زبان، مانند ظرف هایی هستند که فکر ما را در خود جای می دهند. ما باید هنگام خواندن هر اثر و شنیدن گفتار هر شخص با درنگ و تأمل، نحوه گزینش واژه ها و زمینه فکری آن را جست و جو کنیم؛

بررسی ساختار هر اثر با این سوالات ساده تر است: متن اثر تریا نظم است // شیوه بیان زبانی یا ادبی است // واژه های متن ساده یا دشوار هستند.

۲- جمله: برای انتقال پیام به شنونده یا خواننده استفاده می شود و سخنی است که حداقل دارای دو جزء اصلی باشد. نهاد و گزاره. مثال: علی (نهاد) به مدرسه آمد. (گزاره) فعل: یکی از قسمت های گزاره است. بطور کلی جمله یعنی: یک یا چند گروه اسمی + گروه فعلی

۳- بخش های جمله: معنای فعل تعیین می کند که هر جمله چند بخش داشته باشد.

۳-۱- برخی فعل ها تنها به نهاد نیاز دارند (فعل ناگذر) بنا بر این جمله ای که فعل ناگذر دارد دو قسمت دارد (نهاد+ گزاره (فعل ناگذر))؛ برخی فعل های ناگذر: رفت، آمد، نشست، برخاست، خوابید، دوید، چرخید، گریست، پوسید...

۳-۲- اما برخی فعل ها علاوه بر نهاد به جزء یا اجزای دیگری هم نیاز دارند (فعل گذرا) تا معنای کاملتری را به شنونده انتقال دهند. برخی فعل های گذرا: شناخت، آورد، برد، دید، کاشت، پاشید، بافت، دوخت، داشت، ساخت ...

۴- اسم: کلمه ای که برای نامیدن کسی یا چیزی به کار می رود و نقش های مختلفی می پذیرد یعنی می تواند در جایگاه نهاد، مفعول، متمم و... قرار گیرد و به ترتیب نقش نهادی، مفعولی و متممی و... پیدا کند

۵- نهاد: قسمتی از جمله است که درباره ی آن خبری می دهیم. راه تشخیص نهاد: به این منظور "چه کسی؟ یا چه چیزی؟" را به فعل جمله اضافه می کنیم پاسخ نهاد جمله است. مثال: رضا به مدرسه رفت. چه کسی رفت؟ رضا چه چیزی رفت؟ نهاد گاهی یک کلمه و گاهی بیشتر از یک کلمه است. مثال: بچه های مدرسه ی پسرانه خندیدند.

نکته: بعد از مشخص شدن نهاد بقیه جمله گزاره است.

۶- تعریف گزاره: خبری است که درباره ی نهاد داده می شود. مثال: علی به کتابخانه رفت.

نکته: فعل همیشه در قسمت گزاره است.

نکته: اگر گزاره فقط یک کلمه باشد آن کلمه حتماً فعل است. گزاره گاهی بیش از یک کلمه

است. مثال: حسین کتابش را به دوستش داد.

۷- مفعول: برای تمام شدن معنای جمله، لازم است بخشی به فعل اضافه شود. مفعول در قسمت گزاره جمله قرار دارد و با نشانه را می آید. برای پیدا کردن مفعول، فعل را پیدا می کنیم و "چه کسی را یا چه چیزی را به فعل اضافه می نمایم جواب هر چه شد مفعول است. مثال: حسن میوه را خورد. خورد فعل است می پرسم چه چیزی را خورد؟ جواب میوه را (مفعول)

نکته: گاهی مفعول بیش از یک کلمه است. در این صورت به آن (گروه مفعولی) می گویند. مانند: کتاب علوم را خواندم. کتاب زیبای داستان را خریدم

۸- متمم: اسم بعد از حرف اضافه متمم نام دارد که برای کامل شدن معنای جمله می آید و در قسمت گزاره قرار دارد. مثال: محمد از مدرسه آمد.

حروف اضافه عبارتند از: از، با، بر، برای، به، بی، درباره، چون ...

۹- فعل آن بخش از جمله که درباره انجام عمل، رویداد یا ایجاد حالت، اطلاعاتی به ما می دهد، فعل جمله است. فعل اصلی ترین بخش جمله و محور معنایی آن است و فقط در جایگاه فعلی قرار می گیرد.

۱۰- ویژگی های فعل: ۱- زمان، ۲- بن، ۳- شخص، ۴- شمار، ۵- شناسه.

۱۰-۱- زمان های فعل: ماضی (دیروز) گذشته - مضارع (امروز) حال - آینده (فردا)

روش ساخت فعل ماضی، مضارع، آینده: (مثال از مصدر رفتن)

فعل ماضی= بن ماضی فعل+ م ی — یم ید ند مثال: رفتن رفتی رفت رفتیم رفتید رفتند

فعل مضارع= بن مضارع + م ی د یم ید ند مثال: می روم می روی می روی می روی می روی می روند

فعل آینده= خواه + م ی د یم ید ند + سوم شخص مفرد ماضی مثال: خواهم رفت خواهی رفت

خواهد رفت خواهیم رفت خواهید رفت خواهند رفت

۲۰- **جناس** : کلماتی که از یک جنس هستند و حروف مشترکی در آنها وجود دارد. اما در معنی با هم فرق دارند. این گونه واژه ها که شعر و نثر را زیباتر و خوش آهنگ تر می کنند ، جناس گویند مثال: آن کس است اهل اشارت که بشارت داند. / یا مثل دیگر :  
ای مهر تو در دل ها ، وی مهر تو در لب ها

۲۱- **تشبیه** : اگر چیزی را به چیز دیگر که بین آنها شباهت ها و مشترکاتی وجود دارد مانند کنند تشبیه نام دارد که برای زیبایی و تاثیرگذاری سخن و نوشته از تشبیه استفاده می شود.

۲۲- **ارکان تشبیه** : هر تشبیه چهار رکن (قسمت) دارد :

**رکن اول مشبه** (کلمه ای که به کلمه دیگر مانند شده است) -

**رکن دوم مشبه به** (کلمه ای که مشبه به آن تشبیه شده است) -

**رکن سوم وجه شبه** (شبهاهتی که بین مشبه و مشبه به وجود دارد در واقع وجه شبه صفت مشترک مشبه و مشبه به است و این صفت در مشبه به خیلی بیشتر است . گاهی وجه شبه می تواند چند چیز باشد و با توجه به موقعیت باید آن را تشخیص داد ؛ مثلاً اگر به کسی بگویم مثل ستاره است ، وجه شبه می تواند چند چیز باشد: دوری ؛ زیبایی ؛ در روز پیدا نبودن ؛ در شب پیدا بودن ؛ نورانی بودن ... -

**رکن چهارم اِدات تشبیه** (کلماتی که شباهت مشبه و مشبه به را برقرار می سازند مثل، مانند، مشابه ، چوئان، همچو، گویی، چون، همانندو...) -

مثال : پرهای طاووس، مانند دسته گل پر نقش و نگار ، رنگارنگ است.

مشبه: (پرهای طاووس) ؛ مشبه به (دسته گل پر نقش و نگار) ؛ وجه شبه (رنگارنگ) ؛ اِدات تشبیه (مانند)

**نکته** : گاهی ممکن است رکن سوم و چهارم تشبیه حذف شوند.

مثال : این همه صورت برد بر صفحه هستی به کار

۲۳- **کنایه** : هر گاه بخواهیم به طور غیر مستقیم مقصود خود را بیان کنیم و درباره امری پوشیده سخن بگویم از کنایه بهره برده ایم. کنایه دو مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود گوینده ، معنای دور آن است مثال: در دولت گشودن، سعادت و خوشبختی/ بالین نه ، محتاج بودن/ رخس پندار راندن، غرور و تکبر و ...

۲۴- **ردیف** : کاربرد هنری ردیف سبب زیبایی ، گیرایی و گوش نوازی و افزایش بار احساسی و عاطفی کلام و همچنین تصویر سازی در ذهن خواننده می شود. ردیف علاوه بر افزایش موسیقی شعر در کامل کردن معنای هر بیت و انتقال پیام نهایی آن نیز موثر است. مانند تشنه در درس ۱۳

۲۵- **ترجمه** : جای اجزای جمله در زبان های مختلف یکسان نیست. مترجمان هنگام ترجمه به این نکته مهم توجه می کنند. برای مثال در زبان عربی و فارسی و انگلیسی جای فعل فرق دارد.

۲۶- **واج آرای** یا **نغمه حروف**: تکرار یکی از عناصر زیبایی سخن است که گوش را می نوازند و بر موسیقی متن و تاثیر آن می افزاید. بهره گیری از تکرار حروف ، کلام را دل نشین تر می سازد و سبب روشنی و رسایی سخن می شود. به تکرار یک حرف یا صدا (صامت ، مصوّت) در عبارت یا بیت واج آرای یا نغمه حروف گویند.

مثال : "ریاست به دست کسانی خطاست / که از دستشان دستها بر خداست"

۲۷- **ادبیات اندرزی یا تعلیمی** : شاعران و نویسندگان همه ملت ها ، سروده ها و نوشته هایی دارند که سرشار از موعظه و پند و اندرز است و در آنها راه بهتر زیستن و خوشبختی و سعادت را نشان می دهند. در زبان فارسی " بوستان و گلستان سعدی ، مثنوی معنوی مولوی و کلیله و دمنه " بهترین نمونه ادبیات تعلیمی هستند.

۲۸- **مثنوی (دوتایی)**: در مثنوی قافیه های هر بیت با بیت دیگر متفاوت است. چون در هر بیت ، هر دو مصراع ، هم قافیه هستند مثنوی به طور معمول بلند و طولانی است و بیشتر برای بیان داستانها از آن بهره می گیرند. از مهم ترین مثنوی های زبان فارسی می توان از شاهنامه فردوسی، بوستان سعدی، مثنوی مولوی، لیلی و مجنون نظامی یاد نمود.

۲۹- **قصیده**: شعری است که مصراع اول و مصراعهای زوج آن با هم هم قافیه است و تعداد ایات آن از پانزده بیت بیشتر است (تا هفتاد و هشتاد بیت). موضوع قصیده: غالباً ستایش ، نکوهش و وصف طبیعت با مسائل اخلاقی است.

## نکات املائی :

۱- در زبان فارسی ، بعضی حروف ، مانند " **ذ ، ز ، ض ، ظ** " تلفظ یکسان دارند اما شکل نوشتاری آنها یکسان است ؛ با دقت در معنا ، به املائی این گونه کلمات توجه کنید. (ذات - زایا - ضرورت - ظفرمند)

۲- بین واژه ها، فاصله معینی وجود دارد که به آن "**فاصله میان واژه ای**" می گویند؛ رعایت نکردن فاصله مناسب بین حرف های یک کلمه یا کلمات یک جمله ، در خواندن آنها ابهام ایجاد می کند؛ مانند: این جا آسبیز، خانه دارد / این جا آسبیز، خانه / دارد/

۳- هرگاه **پسوند "ان/ی"** به پایان واژه هایی نظیر " زنده ، راننده ، دونده ، پرنده و ... " افزوده شود، این گونه نوشته می شوند : زندگی ، رانندگی ، دوندگان ، پرندگان و ...

۴- **اعداد**، در متن املا همیشه با حروف نوشته می شوند ، نظیر " هفت آسمان " ، " چهارده معصوم " ، " بیست " و ...

۵- در املائی واژه های **جزء و جز** باید دقت کرد ؛ جزء به معنای بخشی از کل چیزی است و جز به معنای مگر ، غیر الا و ...

۶- به کاربرد **نشانه مسد** ( ) باید توجه کرد در برخی کلمات مانند (قرآن ، درآمد ، دست آورد ، آداب ، الان ، خوش آواز و ...) و مشابه آنها این علامت به کار می رود و به کار نبردن آن ابهام و اشکال ایجاد می کند. مآل اندیش (عاقبت اندیش)... مال اندیش (ثروت دوست). در برخی کلمات دیگر از کاربرد این نشانه باید پرهیز کرد. مانند ( فرایند ، دلارام، همایش، پیشامد).

۷- برخی **کلمات به دو شکل** به کار می روند؛ نظیر بالش/بالشت ، خورش/خورشت. هنگام نوشتن املا لازم است به نحوه تلفظ گوینده این گونه کلمات توجه کرد.

۸- **همزه (ه)** یکی از حرف های الفبای زبان فارسی است. این حرف ، مانند سایر حرف ها در خط فارسی، حرکت گذاری نمی شود؛ بنابراین بهتر است بنویسیم قائم و نه قائم / مودب و نه مودب.

۸-۱- در املائی کلماتی مانند جزء اول / شیء نورانی **نشانه کسره** نیست؛ به این نشانه نقش نمای اضافه می گویند.

۸-۲- در نوشتن **کلمات عربی همزه دار** نیز توجه و دقت کافی داشت، مانند: شان/رویا/لولو/ رؤس/طوطئه/ان شاه الله

۹- **قاعده ابدال**: برخی کلمه ها، به گونه ای تلفظ و شنیده می شوند که با شکل نوشتاری آنها مطابقت کامل ندارد؛ مانند پنبه، پنبه/ ممبر، ممبر/ سنبل، سنبل و...

۱۰ **نقطه گذاری**: در بین الفبای خط های مشهور دنیا، الفبای خط فارسی پرتقطه ترین است. پس در نوشتن املا لازم است حرف های یک نقطه ای ، دو نقطه ای ، سه نقطه ای را بشناسیم و نقطه هر حرف را در جای خاص خودش قرار دهیم  
مثال: نزد، ترد/ بنی ، نبی ، روز، زور

۱۱- برخی واژه ها در زبان فارسی ، **به دو شکل نوشته و خوانده می شوند** بی آنکه در معنای آنها تغییری ایجاد شود. در هنگام نوشتن این کلمات لازم است به تلفظ واژه و املائی درست آن دقت و توجه کافی داشت. مانند : هوشیار، هشیار/ جارو، جاروب/ و...

۱۲- کلماتی که به **مصوّت ا / او** ختم شوند در حالت اضافه به ی میانجی نیاز دارند. مثال نوا= نوای خوش/ بو= بوی گل /...

۱۳- نشانه ای که **دو حرف ك و گ** را یکدیگر مشخص می کند ، سرکج آنهاست و رعایت آن کاملاً ضروری است لشکر، لشگر/ عسکر، عسگر

۱۴- هنگام افزودن **پیشوند پ به فعل** هایی که با همزه ه شروع می شوند، املائی کلمه تغییر می کند؛ و ی جایگزین همزه می شود؛ مثال: اندیشید، بیندیشید/ افتاد، بیفتاد/ انداخت، بینداخت

۱۵- **توین** یکی از نشانه های خطی زبان است که با صدای ن ساکن شنیده می شود. باید به شکل درست این نشانه ، توجه داشت؛ مانند " حتماً ، تقریباً ، رسماً ، مسلماً " نوشتن این گونه کلمات، با حرف " ن " (حتمن، تقریبین، رسمین، مسلمن) نادرست است.

**هر کتاب ، فرصت یک زندگی تازه است به قول دکتر شریعتی " بخوانیم و بخوانیم و بخوانیم " که خواندن کار بسیار مهمی است. به قول آیت .. بهجت (ره):**

"ما زندگی می کنیم تا قیمت پیدا کنیم نه اینکه به هر قیمتی زندگی کنیم".

**قدر ثابته ثابته عمرمان را بدانیم و آنرا به بطالت صرف نکنیم.** پدر و مادرمان ستاره های بی بدیل زندگی ما هستند در اطاعت از ایشان لحظه ای غفلت نورزیم. **دوست خوبم یادت باشه که :**

**وقتی وجودم فدا باورت بشه ، فدا هم به نقطه میخاره .. زیر باورت و میشه باورت.**